داوری هومن سیدی و دیگران در کیش

بخش ملی چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم «موج» کیش را پنج نفر داوری کردند؛ کیانوش عیاری، تورج اصلانی، هومن سیدی، مهوش شیخ‌الاسلامی و محسن استادعلی. در این دوره از جشنواره فیلم موج کیش، آن‌طور که خبرگزاری مهر نوشته، ۴۱ فیلم داستانی و مستند حضور داشتند. این دوره از جشنواره، ۳۰ بهمن تا ۳ اسفند در جزیره کیش برگزار خواهد شد.

جایزه ۸ میلیونی یعنی فاجعه

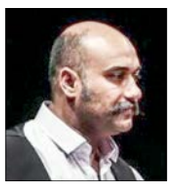

بازیگر برگزیده جشنواره تئاتر فجر، شرایط فعلی تئاتر کشور را فاجعه‌آمیز خواند و پرداخت هشت میلیون تومان به‌عنوان جایزه برتر بازیگری در شرایط سخت فعلی را به شوخی تشبیه کرد. سروش طاهری که در سی‌ونهمین جشنواره تئاتر فجر جایزه بازیگری در بخش مسابقه صحنه‌ای را دریافت کرده، اینها را به تسنیم گفته و افزوده است: اوضاع تئاتر قبل از شیوع ویروس کرونا هم آشفته بوده و درحقیقت تئاتر بدون تماشاگر به معنای هیچ است.

ژانر جاسوسی از پرمخاطب‌ترین فرم‌ها در هالیوود است

یک ژانر پر مخاطب

چیز عجیبی نیست اگر هر سال سندی از دست داشتن سرویس اطلاعاتی آمریکا در فیلم‌ها یا رمان‌ها نه تنها در آمریکا بلکه حتی در اروپا، نقل محافل خبری و رسانه‌ای شود. به قول متیو آلفورد، نویسنده مقاله‌ای در گاردین که سال ۲۰۰۸ به استقبال و افشای فیلم «یک مشت دروغ» (Body of Lies) با بازی گلشیفته فراهانی می‌رفت، «هر کسی تماشاگر فیلم باشد از شیفتگی هالیوود نسبت به جاسوس‌ها خبر دارد. از تریلرهای جاسوسی بعد از جنگ هیچکاک در عصر جنگ سرد نظیر «پرده پاره» گرفته تا دهه پارانوئید ۷۰ میلادی که سیا در قامت یک سازمان خارج از کنترل در فیلم‌هایی چون «سه روز کندور» بازنمایی می‌شد تا همین حالا که سه‌گانه «بورن» و آخرین ساخته ریدلی اسکات «یک مشت دروغ»، هالیوود همواره علاقه داشته تا جاسوس‌ها را در آغوش بکشد.»

نویسنده سپس اضافه می‌کند آنچه کمتر به طور گسترده در میان افکار عمومی شناخته شده این است که آیا جاسوس‌ها هم همین اندازه به هم‌آغوشی با هالیوود علاقه‌مند هستند. البته کمتر کسی هم می‌تواند انبوه فیلم‌های جاسوسی مبتنی بر عملیات‌های واقعی سیا در سراسر جهان را ببیند و تردید کند که این نهاد اطلاعاتی به نحوی دست‌کم برای در اختیار قرار دادن اطلاعات لازم یا جهت‌دهی به روایت فیلم‌نامه‌نویسان و کارگردان‌ها و حتی سرمایه‌گذاری در فیلم‌ها با سازندگان آثار سینمایی همکاری نکرده باشد.

اطلاعات مشهور و آشکار در رسانه‌های آمریکایی می‌گوید سیا دست‌کم از سال ۱۹۹۶ به‌طور علنی و مستقل، دفتری به نام «رابط صنعت سرگرمی» دایر کرده است. مامور «چیس برندون» ۲۵ سال به شکلی ناشناخته و با پوشش‌های دیگر با استفاده از رابطه خانوادگی‌اش با «تامی لی جونز» بازیگر مشهور هالیوود به عنوان رئیس این دفتر با پروژه‌های سینمایی همکاری می‌کرده و حالا درباره او کتابی هم منتشر شده است. با این حال مداخله این نهاد اطلاعاتی به انحای مختلف در فیلم‌ها از سانسور یا جلوگیری از پخش فیلم‌ها گرفته تا جهت‌دهی مستقیم و غیرمستقیم به سازندگان و سرمایه‌گذاری در آثار به چند دهه قبل بازمی‌گردد و نمونه‌های مستند آن هم لااقل از بعد جنگ جهانی دوم آشکار شده‌اند. چند کتاب نظیر «سیا در هالیوود» و فیلم مستند مانند «درون سایه‌ها: سیا در هالیوود» هم در رابطه با همین افشاگری ساخته شده‌اند.

تنوع بازنمایی‌ها محصول عمق نفوذ سیا

کتاب «سیا در هالیوود» که به قلم تریشیا جنکینز در سال ۲۰۱۲ منتشر شده، جزئیات بیشتری را از همکاری نهاد سرگرمی آمریکا با نهاد اطلاعاتی آن در اختیار مخاطبان می‌گذارد. در فصل چهارم این کتاب از فیلم‌های مختلفی که مامور برندون در هالیوود راهبری کرده است نام می‌برد و به اسامی نظیر جاسوس‌ها (۱۹۹۹)، آژانس (۲۰۰۳-۲۰۰۱)، دشمن دولت (۱۹۹۸)، متحدان (۲۰۰۶-۲۰۰۱)، ۲۴ (۲۰۱۰-۲۰۰۱)، هویت بورن (۲۰۰۳) و برخی آثار دیگر در حال تولید در زمان انتشار کتاب، اشاره می‌کند.

نکته جالب در مورد این فیلم‌ها آن است که از الگوهای روایی و بازنمایی‌های مختلفی از سازوکار نهاد اطلاعاتی آمریکا و ماموران پیروی می‌کند. برخی از آنها، ماموران بد را در برابر ماموران خوب می‌گذارند و ضمن اذعان به وجود فساد در این دستگاه، خیال مخاطب را راحت می‌کنند که هنوز ماموران فداکاری هستند که به قیمت جان خود از آمریکا حراست کنند. برخی دیگر صرفا هیجان‌های زندگی جاسوسان را به نمایش می‌گذارند و تعدادی هم در ژانرهای متفاوت نظیر ژانر علمی- تخیلی به نمایش ویران‌شهرهایی می‌پردازند که یک مامور اطلاعاتی، موفق به سامان دادن آن می‌شود. برخی حتی درام‌های خانوادگی ساده‌ای هستند که یک مامور به‌عنوان یکی از شخصیت‌های آن در فیلم حضور دارد. تنوع ژانری تنها یکی از شیوه‌های ایجاد تکثر نسبت به این سازمان در ذهن مخاطبان است و تدارک دیدن انواع روایت‌ها و بازنمایی‌ها نشان می‌دهد عمق نفوذ سازمان سیا در هالیوود بسیار بیش از فیلم‌های جاسوسی و حدس و گمان‌هاست.

همه می‌دانند ولی اعتراف نمی‌کنیم

با این همه حضور قدرتمندترین نهاد اطلاعاتی جهان در صنعت سینما هرگز آشکارا نبوده و هیچ‌وقت از سوی مدیران این نهاد تصریح نشده است. برخی ماموران سابق سیا بسته به جایگاه‌شان پس از بازنشستگی به دست داشتن این نهاد در فیلم‌ها اذعان کرده‌اند. حتی برخی هم پس از مرگ از میان اسناد افشا شده است. این حضور «پوست پیازی» در کنار قدرت مالی و توان مدیریتی است که ارتباط وثیق نهاد سرگرمی و نهاد اطلاعاتی را در طول بیش از ۷۰ سال تضمین کرده؛ حضوری که نه قابل انکار و نه قابل تصریح است اما به هرحال موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسد.

کارآموز

سال ۲۰۰۳ آل پاچینو و کالین فارل در فیلمی ظاهر شدند که بیش از نهادهای سینمایی در نهادهای اطلاعاتی بازتاب و حاشیه داشت. چهار سال پس از انتشار فیلم، پائول کلباگ، مشاور عمومی سابق سیا - مقامی بسیار مهم و بالا در لانگلی مقر این سازمان- در دانشگاه حقوق ویرجینیا برای ارائه نشستی با موضوع رابطه سیا با هالیوود حاضر شد و به سؤالات دانشجویان پاسخ داد. خبرنگاری در آن نشست درباره فیلم «کارآموز» سوال کرد. کلباگ گفت که یک مامور سیا صرفا در مقام «مشاور» در زمان فیلمبرداری همکاری کرده اما کارش جهت‌دهی اشتباهی به کارگردان بوده است. کلباگ تصریح می‌کند: «ما نمی‌خواهیم هالیوود، زیادی به حقیقت نزدیک شود». سال ۲۰۰۹ هم یک مامور تازه استخدام شده سیا در ریویویی بر این فیلم می‌نویسد: «در آژانس سیا همه می‌دانند که این فیلم مضحک است». اما یک کارآموز دیگر این آژانس اطلاعاتی آن را «فیلمی متوسط» می‌خواند که «با واقعیت آموزش‌های آژانس شباهت‌های بسیاری دارد».

ملاقات با والدین

سال ۲۰۰۰ یک درام خانوادگی کمدی با بازی رابرت دنیرو ساخته شد که در آن دنیرو نقش پدری سختگیر را بازی می‌کرد که به خاطر سابقه شغلی‌اش به عنوان مأمور اف‌بی‌آی، بر نامزد دخترش سخت می‌گیرد. این فیلم چند باری هم از تلویزیون خودمان پخش شده است و شاید بسیار ساده‌تر از آن بیاید که فکر کنیم می‌تواند موردی برای مداخله سی‌آی‌ای به حساب آید اما لااقل برای دولت آمریکا این طور نیست. پایگاه خبری ایندیپندنت می‌نویسد عجیب‌ترین مورد مداخله سیا همین فیلم است. به گزارش ایندیپندنت، «سیا تایید کرده است از سازندگان فیلم خواسته تا در نقش رابرت دنیرو، بازنمایی ترسناکی از ابزارهای شکنجه وجود نداشته باشد.»

سقوط شاهین سیاه

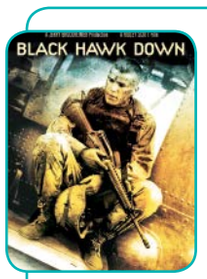

سال ۲۰۰۱ ریدلی اسکات فیلمی را کارگردانی کرد که در اسکار آن سال با گرفتن دو جایزه، سروصدای زیادی به پا کرد. فیلم که به ماجرای واقعی جنگ موگادیشو در سومالی می‌پردازد، شخصیت حقیقی یک سرباز آمریکایی به نام مت اورسمان را به تصویر می‌کشد. استفاده از تجهیزات نظامی انبوه در فیلم رابطه سازندگان را به پنتاگون به وضوح به نمایش می‌گذارد و به اعتقاد نویسنده گاردین در اختیار قرار دادن این تجهیزات به قیمت بازنمایی مثبت از آن تمام می‌شود. پروپاگاندایی که بخش مهمی از شخصیت این سرباز، یعنی کودک‌آزاری او را مسکوت می‌گذارد و از وی در قامت یک قهرمان تقدیر می‌کند.

۳۰ دقیقه پس از نیمه شب

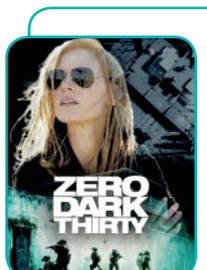

سایت اینترتینمنت در سال ۲۰۱۲ نوشت، بر اساس اسناد دولتی که به‌تازگی منتشر شده، سیا و پنتاگون از هواداران فیلم «مهلکه» اثر ۲۰۰۹ کاترین بیگلو بوده‌اند. این اسناد همچنین اشاره می‌کنند که در اثر بعدی او «۳۰ دقیقه پس از نیمه شب» این کارگردان همکاری نزدیک‌تری برای نمایش عملیات دستگیری اسامه بن‌لادن با سیا داشته است. در این اسناد ماموران ارتباط با رسانه با یکدیگر بحث می‌کنند که نیاز است در حق همه فیلمسازانی که به دنبال اطلاعاتی درباره عملیات بن‌لادن هستند، عادلانه برخورد شود اما تنها دلیلی که وجود دارد که به پروژه بیگلو نزدیک شوند آن است که بیشتر درباره آن چیزهایی بدانند اما سایت «جودیکال واچ» که اولین بار این اسناد را منتشر کرده، نوشته است: «دولت اوباما در پروژه بیگلو و باول، اجازه دسترسی بی‌سابقه و غیرمعمولی را به اطلاعات آژانس‌های خود داده است.»

گردان‌های ایرانی، مستعد ژانر جاسوسی است؟

هوش‌های پیچیده

اغلب فیلمسازان ما درام‌های خانوادگی و اجتماعی را ترجیح می‌دهند اما در میان تهیه‌کنندگان م، سینمای برخی برای موضوعات و ماجراهای وزارت اطلاعات مستعدتر هستند. آنها که ت‌هایشان، پرتعلیق‌تر و پرماجراتر و جنس فیلم‌هایشان، مرموزتر و گاهی اکشن‌تر باشد طبعا به نهادهای اطلاعاتی را می‌طلبد، نزدیک‌ترند. برخی از این کارگردان‌ها را مرور می‌کنیم تا ببینیم هادهای اطلاعاتی کشور خواهیم دید.

وان» او را می‌توان ستقل و التهابی از و شخصیت‌پردازی ت اما شاید اختلاف اسی باعث شده یک فیلم جاسوسی عترض و گزنده و ز مختصات نزدیک

قریب» نشان داد خوانش مهدویان شده با دیدگاه‌های ت اما علاقه‌مندی ارک روابط پیچیده قابل پیش‌بینی

و اکشن را دوست انه و پرتحرک در ت. محصول کار او تواند یک اکشن صیت اصلی به یاد

به طرح موضوعات یلم‌های جاسوسی چند تلاشش برای های خانوادگی در ر می‌تواند فیلم ه یک مامور تقلیل

ین اثرش جسارت ن ورزشی را به خرج پس آن برمی‌آید، چندلایه را در تعدد عرضه می‌کند تقریبا هر آنچه برای

پیچیده علاقه دارد و ادگی و عاشقانه هم های پلیسی را وارد یت‌هایش ساده و کنند اما روایت پرتعلیق کند.

ی، نادرترین ویژگی است. او خوب قصه زئیات و ماجراهای ش زیاد شوند، راز

شنیدنی کردن قصه را از یاد نمی‌برد. بعلاوه پیچیدگی را هم دوست دارد و شخصیت‌هایش نوعی پیوند با ماوراء را القا می‌کنند که می‌تواند افزونه‌ای خاص بر فیلم‌های جاسوسی معمولی باشد.

سعید روستایی

شخصیت‌هایش بیش از اندازه تک‌بعدی هستند. شاید به این خاطر که تلاش می‌کند تمام حرف‌هایش را از زبان هرکدام‌شان و نه در طول روایت بگوید که چندان با طبیعت ژانر جاسوسی سازگار نیست. اما درهم بافتن خرده قصه‌ها را به نحوی که داستان‌های پلیسی ایجاب می‌کنند تا به نتیجه برسند، خوب بلد است.

شهرام مکری

اولین فیلم بلندش اگرچه در جریان هنروتجربه معرفی شد اما عملا بازی با قواعد زیرژانر کارآگاهی بود. معماگونگی، روایتگری پرپیچ و خم و علاقه مکری به عبور از کلیشه‌های ژانری در عین وابستگی‌اش قواعدی که یک فیلم آوانگارد را به سمت یک فیلم عامه‌پسند هدایت می‌کنند، برای ژانر جاسوسی یک فرصت است.

اصغر فرهادی

شاید به ذهن کمتر کسی خطور کند فرهادی با خوانش متفاوتش روزی یک فیلم جاسوسی ایرانی در همکاری با وزارت اطلاعات بسازد. اما مهم‌ترین خصلت سینمای او یعنی روایت مینیمالیستی، تلاشش برای کم‌گویی و مبهم‌گویی در عرضه اطلاعات به مخاطب و دانه‌پاشی تدریجی و مقتصدانه، مهم‌ترین خصلت فیلم‌های جاسوسی است.

محمد کارت

اگر مستندهایش را هم کنار بگذاریم که البته بر شاکله و روح جست‌وجوگر فیلم‌هایش اثر گذاشته است، همین اثر داستانی تحسین‌شده اولش هم نشان می‌دهد در قصه‌گویی و طرح و حل معما می‌تواند یک فیلم جاسوسی کلاسیک دیدنی را با قهرمانی دوست‌داشتنی و برانگیزاننده کارگردانی کند.

منیر قیدی

زنان معمولا شخصیت‌های به لحاظ روانی عمیق‌تری را به نمایش می‌گذارند و اثر یک کنش را تا اعماق روح شخصیت، جست‌وجو می‌کنند. این ویژگی هرچند ویژگی استاندارد فیلم‌های جاسوسی نیست اما در برخی آثار سرشناس این ژانر، ویژگی قوام‌بخش روایت شده است. بعلاوه که قیدی، توان خود را در ایجاد تعلیق و در هم تابیدن خرده‌قصه‌های شخصیت‌های مختلف به‌خوبی نشان داده است.

پرویز شیخ‌طادی

با «شکارچی شنبه»اش نشان داد که می‌تواند معمایی غیرقابل پیش بینی را با شخصیت‌های ناشناخته، به خوبی در قالب قصه تعریف کند. به‌علاوه شیخ‌طادی در پروبال دادن به تعارض‌های فکری آدم‌ها در روایت و استخراج نتیجه موفق است.

اظهارات وزیر را از حیث مدیریتی باید عجیب دانست اما تجربه سینمای جهان از همکاری نهادهای اطلاعاتی با صنعت فیلمسازی نشان می‌دهد این همکاری دست‌کم برای سینما مفید تمام شده است

ضمایر [آنان]

خطرات کرونای اندیشه

امیر کربلایی‌زاده، از برخی بی‌اخلاقی‌ها در فضای مجازی می‌گوید

امیر کربلایی‌زاده از بازیگران خوب تئاتر کشور است. او جزو اولین بازیگرانی بود که در سال‌های اخیر به هنر استندآپ کمدی روی آورد. حضورش در برنامه شب‌های مافیا هم نام او را بیشتر بر سر زبان‌ها انداخت. کربلایی‌زاده که این روزها با نمایش «گرگاس‌ها یا روزبخیر آقای وزیر» روی صحنه تئاتر است، به‌تازگی در گفت‌وگویی نسبت به خطرات کرونای اندیشه هشدار داد.

او در گفت‌وگو با ایسنا از حیات لرزان تئاتر در دوران کرونا می‌گوید، دست همه مدافعان فرهنگ را می‌بوسد و از عقده‌گشایی‌هایی صحبت می‌کند که در هزار و یک ناکامی، ریشه دارد.

کربلایی‌زاده درباره حضورش در تئاتر در شرایط دشوار کرونایی می‌گوید: تئاتر خانه اصلی من است و به‌دوراز هرگونه شعاری، اگر به این خانه نرسیم و چراغش خاموش شود به ویرانه‌ای بدل خواهد شد که باید نظاره‌گر نابودی آن باشیم.

این بازیگر با اشاره به این‌که حدود یک سال از ورود کرونا به زندگی‌مان می‌گذرد، ادامه می‌دهد: این ویروس عزیزترین‌هایمان را از ما گرفته ولی تجربه نشان داده در برخورد با آن دو راه داریم؛ یا خانه‌نشینی اختیار کنیم یا به دل خطر بزنیم و با آن زندگی کنیم. همچون ماهی آزاد که تمام ارزشش به این است که خلاف جریان آب شنا می‌کند.

او با ابراز تأسف از شرایط اقتصادی نابسامان هنرمندان تئاتر در دوران کرونا می‌افزاید: در این مدت چه حمایتی از هنرمندان شد، جز یک مبالغی که همچون صدقه‌سری به آنان پرداخت کردند. تجربه کرونا نشان داد نمره ما درزمینه مدیریت بحران در بخش فرهنگ و هنر منفی است. درحالی‌که هنرمندان همواره در مقاطع سخت حضورداشته و جریان‌ساز بوده‌اند. کربلایی زاده، بازیگران تئاتر را سربازان فرهنگ می‌داند و اضافه می‌کند: این سربازان اجازه نمی‌دهند به‌خاطر کرونا، فرهنگ کشته شود و همچنان جریان فکر و اندیشه را زنده نگاه می‌دارند.

این بازیگر از برخی بی‌اخلاقی‌ها در فضای مجازی سخن می‌گوید و اضافه می‌کند: در جامعه‌ای به سر می‌بریم که حتی اگر از «نیست» بگویی، فردا انجمن حمایت از حقوق «نیست» برایت بیانیه صادر می‌کند. ضمن این‌که صحبت درباره هر موضوعی بسیار سخت است، چون افرادی هستند که به دلیل سرخوردگی‌های اجتماعی، بی‌عدالتی‌ها و تلخی‌هایی که در زندگی چشیده‌اند، بدون این‌که شمارا بشناسند در صفحه‌تان عقده‌گشایی می‌کنند و ناسزا می‌گویند. واقعیت این است که من از دست «آنان» ناراحت نمی‌شوم ولی به این فکر می‌کنم این‌گونه رفتارها در کجا ریشه دارد.

کربلایی‌زاده می‌گوید: اینها کرونای واقعی است. ویروس کرونا را می‌توان با رعایت پروتکل‌ها مهار کرد ولی در برابر کرونای فکر و اندیشه چه کنیم.

او اضافه می‌کند: الان به این فکر کنیم ما جامعه تئاتری چه کمکی می‌توانیم به یکدیگر بکنیم. به مسؤولان کاری نداشته باشیم. راه هزار فرسنگی با اولین گام آغاز می‌شود.

کلمه [شو]

تقدیر از شاعر «سلطان ماسک»

یکی از شاعرانی که در جشنواره شعر فجر مورد تقدیر گرفت محمود اکرامی‌فر بود با کتابی درباره کرونا

یکی از شاعرانی که در پانزدهمین دوره برگزاری جشنواره شعر فجر مورد تقدیر قرار گرفت، محمود اکرامی‌فر بود؛ شاعری که در مردم‌شناسی دکتر است و بدیهی هم هست که در این روزهای سخت که بر مردم می‌گذرد، دست روی دست نگذارد و از مسیر شعر تمهیدی برای آنان بیندیشد.

منظورمان انتشار کتاب «سلطان ماسک» است که چندماه پیش رخ‌داد و حالا این کتاب به چشم داوران جشنواره شعر فجر هم خوش‌آمده و از آن تقدیر شده است.

دبیرخانه جشنواره دلیل این تقدیر را این مساله دانست که او در روزگار کرونا نه‌تنها دست روی دست نگذاشت، بلکه از محدودیت‌های کرونایی، برای شعر و ادبیات فارسی فرصت ساخته است. ماجرا از آنجا آب می‌خورد که اکرامی‌فر در اواسط دوران کرونا کتابی از شعرهای طنزش را با عنوان «سلطان ماسک» منتشر کرد؛ اشعاری با موضوع کرونا و زندگی در زمانه قرنطینه با کووید- ۱۹.

بارها دیده شده که شاعران وقایع اجتماعی روزگار خود را دستمایه سرایش شعرهایی قرار داده‌اند و از رویدادهای مختلف به نفع ادبیات سود برده‌اند. شاید این شعرها در بستر زمان ماندگاری چندانی نداشته باشند و شأن نزول آنها به واقعه موردنظر گره خورده باشد اما در بررسی همان برهه زمانی مشخص از تاریخ حائز اهمیت‌اند و تجلی روزگار خود شاعر هستند.

اکرامی‌فر از شاعران شناخته‌شده هم‌روزگار ماست که پیش از این نیز در دوره‌های مختلف برگزیده، دبیر و داور جشنواره‌های متعدد ادبی بوده است. سال‌ها پیش پایان‌نامه دکتری او با نام «زما بهتران» به عنوان کتاب سال دانشجویی شناخته‌شد.
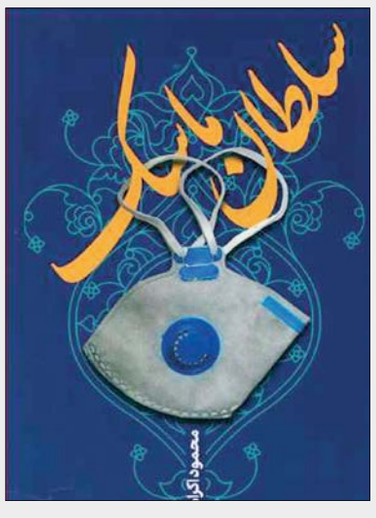
همچنین کتاب «مردم‌شناسی اصطلاحات خودمانی» او به عنوان پژوهش اول صداوسیما و کتاب سال خراسان، حائز رتبه شده است.